



## متن کامل بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران به مناسبت آغاز هفته دولت - 2 / شهریور / 1378

بسم الله الرحمن الرحيم  
خدا را حمد و شکر می‌کنم که این دولت فعال و کوشنده و این برادران عزیز را توفیق داد که بتوانند دو سال در یکی از حساسترین مقاطع تاریخ بعد از انقلاب ما، این بار مسؤولیت سنگین را بر دوشهای خودشان حمل کنند. امیدوارم همچنان که جناب آقای خاتمی به درستی بیان کردند، این راه با همان شاخصه‌هایی که در وجود شریف امام عزیزمان متبلور و متجسد بود، با قوت، با قدرت، با امید و با اعتماد به کمک الهی ادامه پیدا کند.

شاید بشود گفت که خود این مناسبت هفته دولت ما، یکی از تصادف‌های پرمعناست. هفته دولت یک کشور، یادبود شهادت دو شخصیت دولتی برجسته است. عزیزان! هر کشته شدنی شهادت نیست. آن کشته شدنی که در راه خدا با اخلاص و رشادت و تلاش همراه باشد، اسمش شهادت در راه خداست. شهید آن کسی است که مجاهدت - یعنی تلاش - می‌کند و رشادت به خرج می‌دهد و برای خدا حرکت می‌کند؛ چون اگر رشادت به خرج ندهد، اصلاً در معرض شهادت قرار نمی‌گیرد. همه شما احتمالاً از نزدیک با این دو نفر آشنا بوده‌اید و خیلی از شما با آنها کار کرده‌اید. ما این دو شخصیت را مصداق کامل این خصوصیات می‌بینیم. یادبود شهادت اینها، هفته دولت است.

در کشور ما، هفته دولت، هفته ولادت دولت نیست. جاهای دیگر، اگر بخواهند چنین روزی و چنین مناسبتی بگذارند، قاعدتاً ولادت دولت یا مثلاً کار برجسته‌ای را که دولت انجام داده، در نظر می‌گیرند و هفته دولت معین می‌کنند؛ اما ما آمدیم و هفته دولتمان را یادبود شهادت قرار دادیم. این چیز خیلی پرمعنا و مهمی است؛ این معنایش آن است که راه ما، راه همین خصوصیات است. این که آیا ما شانس گرفتن پاداش شهادت را داشته باشیم یا نه، بحث دیگری است. بنده که به خودم امید چندانی ندارم. حالا شاید ان شاءالله در بین شما کسانی باشند که پایان کارشان شهادت در راه خدا باشد که این افتخار بزرگی است. حالا این پاداش نصیب ما بشود یا نشود، راهمان این است؛ راه کار برای خدا، با اخلاص و همراه با رشادت و شجاعت و دلیری و بی‌باکی در مواجهه با مشکلات.

پس، سه خصوصیت شد: یکی این که کار و تلاش کنیم. دوم این که این کار را با رشادت و شجاعت انجام دهیم. سوم این که جهتگیری‌اش را خدا قرار دهیم. اگر این سه خصوصیت باشد، من مطمئنم این موفقیت‌هایی که شما در ظرف این دو سال به دست آورده‌اید، به مراتب بیشتر خواهد شد. بحمدالله موفقیتها کم هم نیست. چون شما با مردم حرف کم می‌زنید، شاید خیلی از آنها موفقیت‌هایتان را در بخش‌های مختلف ندانند؛ لیکن ما و کسانی که دستشان در کار است، می‌دانند که شما کارهای خوب و مفید فراوانی انجام داده‌اید. بنابراین، با وجود آن سه خصوصیت، موفقیت‌های شما روزبه روز بیشتر خواهد شد و در قبال آن مجموعه انسانی که با این سه خصوصیت حرکت می‌کنند، یقیناً هیچ مشکلی تاب مقاومت نخواهد داشت. همه تنگناها و مشکلات - مشکلات انسانی، مشکلات سیاسی و مشکلات مالی - برطرف خواهد شد؛ این وعده الهی است.

یکی از آثاری که بر تقوا مترتب است، این است که خدای متعال به کارهای ما برکت می‌دهد. اگر انسان آثاری را که در قرآن - کلام الهی - بر تقوا مترتب شده است، ملاحظه کند، خواهد دید که جواب همه احتمالات و خواطر و وسوسه‌های ذهنی او داده شده است: «ان تتقوا الله يجعل له فرقاناً»، اگر تقوا پیشه کنیم، خدای متعال برای ما فرقان - یعنی فارق بین حق و باطل - به وجود خواهد آورد. راه حق و باطل برای ما مشتبه نخواهد شد؛ راه باز خواهد شد. وقتی انسان فهمید حق کدام است، باطل کدام است، با شجاعت بیشتری حرکت می‌کند: «و من يتق الله يجعل له مخرجاً»؛ انسان را از تنگناها خارج می‌کند و برای او فرج و گریزگاه به وجود می‌آورد: «و یرزقه من حیث لا



یحتسب»؛ از آن جایی که محاسبه نکرده، او را روزی خواهد داد. روزی شما که روزی شخصی خودتان نیست. هر کدام شما مظهر بخش عظیمی از این ملت و این کشور هستید. روزی شما آن چیزی است که کار شما را آسان و امکانات را برای شما فراهم می کند. خدای متعال گاهی با پول کم، برکت خودش را اعطاء می کند. گاهی با پول زیاد و با فراوانی درآمد، برکت از انسان گرفته می شود. وقتی انسان تقوا داشته باشد، وقتی برای خدا کار کند و اخلاص پیشه نماید، خدای متعال به کارهایش برکت می دهد. شما ببینید در همین دوران جنگ که بعضی از شما مسؤولیتهای حساس داشتید، چقدر کارهای بزرگ انجام گرفت! با این که دوران سختی بود؛ دوران جنگ بود و ما زیر بمباران دشمن بودیم. در این شهر تهران، در چنین اτάقی، انسان نمی توانست در هیچ ساعتی از ساعات شبانه روز، راحت و خاطر جمع باشد که بمبی روی این اطاق نمی خورد. در چنین وضعی، یک دولت و یک مجموعه خدمتگزار - همین شما - آمد و با همت، با تلاش، با ایمان، با توکل به خدا و با درآمدهای بسیار کم - حتی کمتر از درآمد سال گذشته - کارهای بزرگی انجام داد. البته مشکلات فراوانی وجود داشت و هیچ توقع نبود که این مشکلات در آن دوران به این شکل حل شود؛ اما حل شد و این کشور اداره گردید و پیش رفت و خودش را به دوره سازندگی رساند. این که دولت و ملتی بتوانند با آن تجربه دشوار، خودشان را به مقطع شروع سازندگی برسانند، خودش کار خیلی مهمی است.

در دوره سازندگی مشکلات فراوانی بود. الان هم مشکلاتی هست و شما می توانید آنها را برطرف کنید. نیروی شما، نیروی عظیمی است. نیروی شما از یک طرف نیروی توکل و اعتماد به خداست. اگر ما خدا را در نظر داشته باشیم و حقیقتاً به عنوان انجام وظیفه کار کنیم، یقیناً لطف و فضل و حمایت و کمکهایی غیرمحتسب خدای متعال به ما خواهد رسید. همین حالا شما خودتان ببینید؛ در روال عادی کار، گاهی دریچه هایی از جایی باز می شود که من و شما حسابش را نکرده ایم؛ من و شما زحمتش را نکشیده ایم. ما که می دانیم؛ حالا ممکن است گاهی بعضیها دورا دور خیال کنند که این ما بودیم که مثلاً فلان گشایش جهانی را، فلان گشایش منطقه ای را و فلان گشایش ملی را انجام دادیم. ما خودمان که دور هم می نشینیم، می دانیم که این کمک الهی بود. باید این کمکهایی «من حیث لا یحتسب» پروردگار را باور کنیم. این بر اثر همان مایه توکل و ایمانی است که بحمدالله خدای متعال در دست اندرکاران مشاهده می کند. آن صدقی که خدای متعال در یک ملت و در یک مجموعه خدمتگزار و در یک مجموعه عمل کننده ملاحظه کند، خیلی به داد آن مجموعه و آن ملت خواهد رسید و به او کمک خواهد کرد. عزیزان من! به نظر من، راه دینداری، راه توکل به خدا و راه اعتماد به وعده الهی است. «ولو ان اهل القری امنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض»؛ ایمان و تقوا، راههایی طبیعی را هم باز می کند، مشکلات طبیعی را هم برطرف می کند؛ مشکلات جهانی را هم برطرف می کند؛ خطرهای بزرگ را هم برطرف می کند و گشایشهای فراوان به وجود می آورد. این یک طرف قضیه است؛ یک طرف هم مردم قرار دارند. ذخیره معنوی شما، یکی توکل به خداست؛ یکی اعتماد به این مردم مؤمن و صادق و فداکار و علاقه مند به مسؤولان و علاقه مند به اسلام و علاقه مند و قدردان نظام جمهوری اسلامی؛ که هر جا از طرف مسؤولان نظام از این مردم کمکی خواسته شد، آنچه در اختیارشان بود در اختیار ما قرار دادند و حجت را بر ما تمام کردند.

من می خواهم در مورد مسائل دولت، چند توصیه عرض کنم. البته - خوشبختانه - در بیانات جناب آقای خاتمی همین مطالب بود. همین مطالبی که من می خواهم مواردی از آن را عرض کنم، در گزارش ایشان وجود داشت. بحمدالله شما مشغولید و تلاش و کار می کنید؛ اما هرچه ما تلاشمان را بیشتر کنیم، سود بیشتری خواهیم برد. یک نکته، انسجام و هماهنگی دولت است و پرهیز از این که بخشی از دولت، بخش دیگر را تضعیف کند. این مجموعه شما باید واحد باشد. شما باید به معنای واقعی کلمه با هم همکاری کنید. من نمی گویم شما توقعات بخشی نداشته باشید. یک وقت من به یکی از این آقایانی که توقعات بخشی داشتند و از من چیزی می خواستند،



گفتم: من این کار شما را انجام نخواهم داد - یعنی امکان ندارد - اما نفس این تلاش را تحسین می‌کنم! بنابراین، من فی‌نفسه از تلاش بخشی گله مند نیستم؛ اما این تلاش بخشها نباید جداگانه به کلیت و جنبه فربخشی دولت صدمه ای بزند؛ یعنی بخشهای مختلف باید رعایت امر را بکنند. به نظر من، عمده مسؤولیت هم در آن قسمتهای ستادی دولت است که عبارت باشد از سازمان برنامه و بودجه و سازمان امور اداری و استخدامی کشور و بخشهای ستادی که عمدتاً هم در شخص رئیس جمهور متمرکز است.

در دولت، باید رئیس جمهور را محور قرار داد. من همیشه گفته ام که دولت به چهارراهی می‌ماند که رئیس جمهور، مثل فرمانده سر این چهارراه است. وقتی جلو یک بخش دست گرفت، آن باید متوقف شود، تا بخشهای دیگر بتوانند بیایند و حرکت کنند. وقتی اشاره کرد که حرکت کنید، حرکت کنید؛ یعنی جلوتر نروید و عقب هم نمانید. آنچه را که رئیس جمهور با مشورت، با رعایت جوانب قضیه، با ملاحظه آن چیزهایی که بخشهای مختلف می‌روند و به عنوان نیازهای مختلف با او در میان می‌گذارند و نگاه فربخشی که به طور طبیعی دارد، اولویت تشخیص می‌دهد، آن باید رعایت شود.

خوشبختانه جناب آقای خاتمی - رئیس جمهور محترم و عزیز ما - تازه نفس و آماده به کار و دارای توان و دارای شرایط لازم برای این کار هستند. من از این بابت هم خدا را سپاس می‌گویم و هم ایشان را خیلی دعا می‌کنم. وسط میدان هیأت دولت و مجموعه دولت، نگاهها باید به اشاره رئیس جمهور باشد. من نمی‌خواهم مسؤولیت‌های بخشی شما را انکار کنم - هر کدام از شما در مقابل مجلس و مردم، مسؤول بخش خودتان هستید - اما مسأله ای وجود دارد که بالاتر از بخشهای شماست و آن، مجموعه دولت و امکانات دولت است. با توجه به این محوریت و این انسجام، بایستی بتوانید کار صحیح دولت را پیش ببرید که آن وقت این نکته سومی است که بر این مترتب می‌شود و آن رعایت اولویتهاست.

به نظر من، در دو قسمت بایستی اولویتهای را رعایت کنید: یکی در خود برنامه های درون بخشهاست؛ دیگری برنامه های هر بخشی نسبت به بخش دیگر. ما یک وقت منابع درآمدان بی حساب است - خیلی خوب - آن جا مثل یک آدم پولدار و اعیان که اگر اسباب بازی بچه اش هم مورد نیازش قرار گرفت، سخاوتمندانه در جیبش دست می‌کند و برای اسباب بازی پول می‌دهد، عمل می‌کنیم. ما الان منابعمان آن قدر فیاض نیست. کمبودهای فراوانی در منابع درآمد خودمان داریم. به نظر من، کمبود کاهش درآمد نفت اگرچه برای ما یک ضربه سنگین و یک فشار بزرگ بود، اما از یک جهت فوز بود. برای ما، کمبود درآمدهای داخلی، هم آن فشار را دارد، هم آن فوز و آن نجاج و فلاح را ندارد؛ جز بدی و سختی، چیز دیگری نیست. ما باید درآمدهای درونی را افزایش دهیم. ما باید کشور بزرگ پُربرت دارای این همه منابع، دارای این همه صحراهای قابل استحصال، دارای این همه انسانهای با استعداد، دارای این نیروی کار جوان و با نشاط، دارای این همه انسانهای مؤمن، با این موقعیت جغرافیایی سیاسی و اقتصادی، را فعالتر کنیم. ببینید اولویتهای چیست؛ آن وقت اولویتهای خط ما را معین خواهد کرد که چه کار کنیم. اولویتهای، مسأله اشتغال، مسأله ارزش پول ملی، مسأله متوقف کردن تورم و یا کاهش آن در حد ممکن، مسأله رکود اقتصادی و فعال کردن کشور است. البته آنچه فوراً به ذهن می‌آید، این است که همه اینها پول لازم دارد. از کجا درآمد تولید کنیم؛ اینها همه به هم وصل است. این معلوم است که اینها به هم وصل است؛ اما هیچ یک از اینها بن بست به وجود نمی‌آورد. اگر ما به کمبودهای کاری خودمان نگاه کنیم - آن خللها و اختلالهایی که در برخی از برنامه های خود ما هست - خواهیم دید که از کجا خوب می‌خوریم. با یک مقدار صرفه جویی بیشتر، با یک مقدار دقت و دلسوزی دستهای عامل و کننده کار، خیلی از این مشکلات بتدریج برطرف می‌شود. روند رفع مشکلات، مثل روند به وجود آمدن مشکلات است. همچنان که وقتی مشکلی به وجود می‌آید - چه مشکل اقتصادی، چه مشکل سیاسی و چه سایر مشکلات - به دنبال خودش مشکلات دیگری می‌آورد، رفع مشکلات هم همین طور است. شما یک گره را که باز می



کنید، می بینید امکان باز کردن پنج گره دیگر بعد از آن به وجود می آید. هر کدام از دستهای عامل که از جای کم و کوچکی شروع کنند، من خیال می کنم که به جاهای خوبی خواهند رسید. این مقتضی آن است که شما در خرج کردن پول، در انتخاب برنامه ها، در تقدیم بخشی بر بخش دیگر - و داخل هر بخش، برنامه ای بر برنامه دیگر - اولویتها را رعایت کنید. من می بینم که در جاهایی این اولویتها رعایت نمی شود. اگر این مسأله مورد توجه قرار گیرد، به نظر من خیلی از مشکلات حل خواهد شد. این هم جز در دولت، جای دیگری حل نخواهد شد؛ علاج آن فقط دولت است؛ یعنی بایستی گفته شود که نه آقا! جهات محسنه ای که شما ذکر کردید، همه اش در این برنامه هست - هیچکدام مورد انکار نیست - اما اولویت ندارد؛ برنامه دیگری وجود دارد که پنج جهت محسنه بر این اضافه دارد؛ یا عیبی که در برنامه شما هست، در این برنامه وجود ندارد؛ این گونه بایستی وارد کارها شوید. به نظر من، مسائل انسانی و مسائل آموزش و پرورش و مسائل اقتصادی و مسائل اجتماعی و آنچه که به بخش خدمات ارتباط پیدا می کند، اینها را بایستی این طوری نگاه کرد. این، کار سازمان برنامه و بعضی از بخشهای ستادی را - همان طور که گفتم - واقعاً سنگین می کند. بایستی در این زمینه حقیقتاً مخلصانه، صادقانه و پرتلاش کار کنند و رئیس جمهور را قادر نمایند تا آن جایی که باید تصمیم بگیرد، بتواند تصمیم بگیرد و وقتی به این بخش اشاره کرد که متوقف شود، متوقف گردد و دیگر حرف و گله ای نباشد. بنابراین، محور بودن رئیس دولت، اصل قضیه است.

دومین نقطه ای که در آن رعایت اولویتها لازم است، مسائل کلی جامعه است. ببینید؛ گاهی یک مسأله، مسأله اصلی ماست؛ اما بر ما یک مسأله فرعی را تحمیل می کنند که مسأله عمده ی ما می شود؛ کمالین که الان ملاحظه کنید، مسأله قتلها، مسأله عمده کشور شد. آیا واقعاً مسأله عمده کشور، این چند فقره قتلی است که اتفاق افتاد؟! ما وزارت اطلاعاتی داریم، دستگاههای دیگری داریم؛ مسؤولانی داریم؛ اینها می نشینند حل می کنند. آیا واقعاً مسأله اصلی کشور این است؟! ما این همه مشکلات داریم، این همه مسائل و معضلات مردم وجود دارد؛ همه اینها کنار رفت و در برهه ای از زمان، اغلب بحثها، یا اغلب همتها مسأله قتلها شد! این گونه نمی شود کار را با موفقیت ادامه داد و پیش برد. واقعاً نگاه کنید ببینید امروز مسأله اصلی کشور چیست. من گمان نمی کنم اگر کسی نگاه عادی به زندگی مردم بکند، تردیدی به وجود بیاید که مسأله اصلی کدام است. چرا خودمان را به مسائل درجه دو و مسائل فرعی مشغول کنیم؟! ممکن است در فهرست مسائل مردم، مسائل مهمی وجود داشته باشد - مثلاً ده رقم نوشته شده باشد - اما مهمترین را باید پیدا کرد. در این جا باید اولویتها را مشاهده کنید؛ که من همین جا به نقطه چهارم می روم.

مهمترین مسأله، مسأله اقتصادی است. این طرح «ساماندهی اقتصادی» کار بزرگی بود که دولت شما انجام داد. چرا آن را ندیده می گیرید؟ چرا شما به طور جدی به آن نمی پردازید؟ من واقعاً از اول انتظارم این بود؛ اما حالا این انتظار را بیشتر دارم. طرح «ساماندهی اقتصادی» امیدی در مردم ایجاد کرد؛ انصافاً کار خوبی هم شد. شما ببینید چقدر از این طرح اسم آورده شد و در رسانه ها راجع به آن چقدر صحبت شد. آقای رئیس جمهور شخصاً نسبت به آن حرف زدند و وعده دادند و ما در آن حدی که احساس نیاز شد، حمایت کردیم و خود مسؤولان هم درباره آن صحبتهایی کردند. انتظار بود این قضیه به طور جدی دنبال شود. طرح «ساماندهی اقتصادی» باید دنبال شود. من فکر می کنم نقاط اصلی ای که در این طرح بود، همان نقاط اساسی ای بود که ما امروز به آن احتیاج داریم. در این طرح، بحث اشتغال بود. مسأله اشتغال، مسأله بزرگ و مهمی است. حقیقتاً بایستی این بخش از دولت، مورد تأیید جدی و همکاری حقیقی همه قرار گیرد. البته یک بخش هم نیست؛ فقط وزارت کار نیست؛ همه بخشهای اقتصادی تقریباً به نحوی در مسأله اشتغال سهیم و شریکند؛ همه باید کمک کنند. این مسأله ایجاد هفتصد هزار شغل در سال، چیز کمی نیست. ایشان درست می گویند؛ این خیلی بیش از آن مقداری است که ما ظرفیتش را در گذشته تجربه کرده ایم؛ اما به نظر من می شود. من اعتقادم این است. حالا ممکن است سال اول ما نتوانیم این

رقم را تأمین کنیم؛ فرض کنید نصف این رقم را تأمین کنیم؛ اما با تأمین نصف این رقم در سال اول، در سال دوم عدد مضاعف خواهد شد؛ سال سوم عدد مضاعف خواهد شد و همین طور به صورت تزییدی پیش خواهد رفت. مجموعه همین خواهد شد - شاید بیشتر هم بشود - به شرطی که آن را دنبال کنیم و تلاش نماییم. بحث مربوط به روستاییان هم مهم است. الان این زلزله و این سیل و این خشکسالی آن چنانی اتفاق افتاده است. حقیقتاً الان خطر مهاجرت زیاد است. این مهاجرت، بقیه مشکلات را به دنبال خود می آورد. وضع روستاها، وضع بدی است. به نظر من باید به روستاها و معضلات مردم خیلی توجه شود. یکی از چیزهایی که من می خواهم در این زمینه جداً به آقایان توصیه کنم، این است که به نقاط محروم بروید و با مردم به طور روبه رو تماس بگیرید و در جریان کارهایشان قرار بگیرید. خود این سفرهایی که انجام می شود - بخصوص به نقاط دوردست و محروم - خیلی بارز و بابرکت است؛ چون انسان را در واقعیتهایی قرار می دهد که آنها را شنیده است. گزارش خیلی می خوانیم؛ اما گزارشی که انسان از نزدیک آثار آن را لمس کند، انصافاً تأثیر دیگری دارد. بنابراین، به نظر من به مسأله اقتصادی - که مشکلات مردم عمدتاً امروز بر محور مسائل اقتصادی است - خیلی باید توجه شود؛ بعضی از بخشها در این زمینه بیشتر کار کنند.

البته من وظیفه ام است که از شخص جناب آقای خاتمی به عنوان رئیس جمهور محترم و دولت به صورت کلی دفاع کنم و شما بدانید که دفاع خواهم کرد. نه این که در مقابل دشمنان دفاع می کنم؛ حتی در مقابل انتقادهای غیر صحیح دوستان - یعنی عناصر داخلی و عناصر مؤمن و عناصر خودی - دفاع می کنم؛ اما این به معنای آن نیست که دولت نباید در درون خود به نقد عملکرد خودش پردازد. یک مقدار باید به نقد عملکردها پردازید. برادران عزیز! دو سال گذشت؛ یعنی از چهار سال عمر طبیعی یک دولت، دو سال گذشت؛ یعنی پنجاه درصد. این پنجاه درصدی که گذشته، از یک جهت فصل مشعشع عمر دولت است. معمولاً دو سال اول، نشاطها بیشتر است؛ امیدهای مردم بیشتر است؛ همکاری مردم بیشتر است؛ شوق مردم بیشتر است. البته دو سال بعد تجربیات بیشتری وجود دارد؛ اما من شک دارم که دو سال دوم را بشود بر دو سال اول ترجیح داد. دو سال گذشته؛ بایستی همه آنچه را که در آرزوهای شما به عنوان خدمتگزاران صادق هست - که ما شما را خدمتگزاران صادق می دانیم - در این دو سال باقیمانده تلاش کنید، برنامه ریزی کنید و به طور جدی وارد شوید که انجام گیرد. برنامه سوم هم مهم است. البته من اطلاع دارم که دولت جلسات پُرکار و پُر تلاشی دارد برای این که برنامه را برساند. این نکته ای که جناب آقای خاتمی در مورد سیاستها اشاره کردند، نکته کاملاً درستی است. من، هم در نامه ای که به مجمع تشخیص مصلحت نظام نوشتم، هم در نامه ای که به خود ایشان نوشتم، به همین نکته تصریح کردم. برنامه ها از دل سیاستها می جوشد. مسأله سیاستها و برنامه ریزی و بحث در دولت و بعد در مجمع تشخیص مصلحت نظام و ملاحظه نقدهای مختلف و انتخاب سیاستها و بعد برنامه ریزی بر اساس سیاستها، یک روال طبیعی و منطقی پیدا کرد؛ لیکن توجه داشته باشید که در خلال این برنامه ریزی، سیاستهایی که از این مراحل گوناگون گذشته، دقیقاً رعایت شود. این که برنامه ها باید از دل سیاستها بجوشد، بایستی به معنای حقیقی کلمه منبعث از سیاستها و ساخته و پرداخته این سیاستها باشد که اگر برنامه در جایی موفق شد، آدم بداند این سیاست درست بوده، اگر برنامه خطا کرد، آدم بداند سیاست غلط بوده؛ یعنی باید این تلازم معلوم شود. اگر یک جا در برنامه ها طوری شد که سیاستها رعایت نگردید، آن وقت علت غلط بودن برنامه مشخص می شود. این غیر از آن چیزی است که به عملکرد مجریان مربوط می شود. بالاخره درصدی به عملکرد مجریان برمی گردد و سیاستها از اینها برکنار خواهد ماند. بنابراین، آدم نمی تواند تشخیص دهد که آیا این سیاستی که ما نشستیم با این همه مقدمات و مجمع تشخیص و قبلش هیأت دولت و شاید چند هزار ساعت کاری که آقایان در سازمان برنامه برای تنظیم این سیاستها انجام دادند و بعد هم پیش ما آمد و کارهایی که ما کردیم، بالاخره درست بود یا غلط بود. باید طوری باشد که دقیقاً این سیاستها



در تک تک برنامه ها قابل مشاهده باشد و آدم بداند این برنامه ناشی از آن سیاست است؛ یعنی یک ارتباط منطقی و طبیعی وجود داشته باشد.

آخرین جمله ای هم که در این جمع عرض می کنم و بعد هم البته می خواهم چند جمله خصوصی تر با برادران و خواهران عرض کنم، این است که برادران و خواهران سعی کنند انسجام دولت و نظام در سطح عالی حفظ شود. بدانید که اگر ما توفیق غلبه بر این مشکلات داشته باشیم - که البته ان شاء الله به فضل الهی خواهیم داشت - فقط در سایه انسجام و وحدت در سطح عالی نظام و در مسائل عمومی وجود یک اراده جمعی است که دنبال شود؛ و همین است که به وحدت عمومی - به معنای مستمر کلمه - منتهی خواهد شد. این که یک عده از این طرف، یک عده از آن طرف، بعضیها به فکر حرف و کار خودشان، یک عده هم باز به فکر حرف و کار خودشان باشند، این نمی شود. تقسیم کردن و تجزیه کردن در سطوح عالی نظام، به ضرر نظام تمام خواهد شد؛ به سود هیچ کس تمام نمی شود؛ البته به سود دشمن تمام می شود. اگر دشمن زنگِ عاقل داشته باشیم، او فوراً سوء استفاده خواهد کرد. امروز خوشبختانه مردم ما متحدند. الحمدلله توده مردم - همان طور که بارها ملاحظه کردید و تجربه نشان داده است - متحدند. این اتحاد وقتی تضمین و راسخ و ریشه دار خواهد شد که در سطوح بالا احساس تفکک و جدایی و احیاناً خدای نکرده نقار نشود. اگر می خواهید در کارهای خودتان موفق باشید، باید این را رعایت کنید. امیدواریم ان شاء الله خدای متعال همه شما و ما را موفق کند تا بتوانیم در این صراط مستقیم حرکت کنیم و از فیوضات و کمکهای الهی بهره مند شویم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته